

Submit Date: 30 December 2025

Revise Date: 12 May 2026

Accept Date: 18 May 2026

Initial Publish: 28 July 2026

Final Publish: 23 October 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Position of the Principle of Good Faith in the Interpretation and Performance of Contracts in Iranian Law: A Comparative Study of French Law

Mehri Kazemifard^{1*}

1. MA, Department of Private Law, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: Mehrikf@gmail.com

ABSTRACT

Today, the principle of good faith is regarded as one of the important rules in the field of the law of obligations, playing a significant role in the stages of contract formation, performance, interpretation, and even during pre-contractual negotiations. In a society governed by good faith, the regulation of legal relations becomes more reliable, simpler, and less costly. The present study is based on a descriptive-analytical method and documentary research using up-to-date library and internet sources. Ultimately, the examination of these issues demonstrates that, within the Iranian legal system, good faith is not applicable as an independent theory; rather, the operative criterion in this regard is the authority of objective appearance and the theory of "reliable appearance." Therefore, the foundation of good faith in Iranian law should be sought in the implied condition arising from the nature of the contract, because the essence of contracts is agreement and interaction. In agreement, the parties seek to achieve a common objective, and in interaction, they endeavor to attain that shared objective. Consequently, good interaction and good faith must exist from the beginning to the end of the transaction. In some legal systems, including France, Article 1104 of the new French Civil Code of Obligations enacted in 2016 recognizes good faith as a mandatory rule governing all stages of the contract, including negotiation, conclusion, performance, and interpretation. This provision is considered a matter of public policy, and even an agreement between the contracting parties contrary to it is devoid of legal effect. In other words, good faith, as a binding principle creating legal obligations, entails commitments and duties for the parties during the formation, performance, interpretation, and exercise of contractual rights. Accordingly, the parties must commence contractual negotiations in good faith, sign the contract upon agreement, and act in good faith in its interpretation and performance. In Iran, however, the legislator did not explicitly address the principle of good faith during the drafting of the Civil Code. This issue has led legal scholars to adopt entirely different views regarding it, and an examination of the legislator's approach to the principle of good faith from the outset to the present indicates that the tendency toward its acceptance in Iranian law has generally followed an ascending trend.

Keywords: Good faith, contract interpretation, Iranian law, French law.

How to cite: Kazemifard, M. (2027). The Position of the Principle of Good Faith in the Interpretation and Performance of Contracts in Iranian Law: A Comparative Study of French Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(4), 1-16.



تاریخ ارسال: ۹ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۶ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

جایگاه اصل حسن نیت در تفسیر و اجرای قراردادها در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه

مهری کاظمی فرد^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Mehrikf@gmail.com

چکیده

امروزه اصل حسن نیت، یکی از قواعد مهم در حوزه حقوق تعهدات است که در مرحله انعقاد، اجرای قرارداد، تفسیر و حتی در مرحله مذاکرات قبل از قرارداد، نقش به سزایی ایفا می کند. در جامعه ای که حسن نیت حاکم است تنظیم روابط حقوقی، مطمئن تر، ساده تر و کم هزینه تر خواهد بود. پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه اسناد با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی روز است. در نهایت با بررسی این موارد خواهیم یافت که در نظام حقوقی ایران موردی تحت حسن نیت به عنوان تئوری مستقل قابل استفاده نیست و ملاک عمل در این مورد حجیت ظهور نوعی، تئوری (ظهور قابل اعتماد) است و برای مبنای حسن نیت در حقوق ایران باید روی شرط مقتضای عقد کار شود، زیرا مقتضای عقود، توافق و تعامل است و در توافق، طرفین برای رسیدن به یک هدف مشترک و در تعامل، برای نیل به هدف مشترک تلاش می کنند. بنابراین از ابتدا تا انتهای معامله باید حسن تعامل وجود داشته باشد. به گونه ای که در برخی از نظام های حقوقی از جمله فرانسه در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی جدید تعهدات این کشور مصوب ۲۰۱۶، به عنوان یک قاعده لازم الرعایه در تمام مراحل قرارداد از جمله مذاکره، انعقاد، اجرا و تفسیر شناخته می شود که این مقرر طبق نظم عمومی است و حتی توافق متعاقدين بر خلاف آن فاقد اثر است. به عبارت دیگر، حسن نیت به عنوان اصل الزام آور و موجد تکلیف، متضمن تعهدات و وظایفی برای طرفین در جریان تشکیل، اجرا، تفسیر و اعمال حقوق ناشی از قرارداد است. بر این اساس، طرفین باید با رعایت حسن نیت، مذاکرات قراردادی را آغاز کرده، در صورت توافق قرارداد را امضاء و در تفسیر و اجرای آن نیز با حسن نیت عمل کنند. در کشور ما قانون گذار هنگام تدوین قانون مدنی، نظر صریحی در خصوص اصل حسن نیت ارائه نکرده است. همین مسئله باعث شده که حقوقدانان نظرات کاملاً متفاوتی نسبت به آن داشته باشند و بررسی دیدگاه قانون گذار به اصل حسن نیت از ابتدا تاکنون نشان می دهد که گرایش به پذیرش آن در حقوق ایران در مجموع یک روند صعودی را طی کرده است.

کلیدواژگان: حسن نیت، تفسیر قرارداد، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

نحوه استناددهی: کاظمی فرد، مهری. (۱۴۰۶). جایگاه اصل حسن نیت در تفسیر و اجرای قراردادها در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۴)، ۱-۱۶.

در زمان انعقاد قرارداد و هم در زمان اجرای عقد معتبر است. طبق ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه، طرفین یک قرارداد باید در مذاکرات پیش‌قراردادی، تشکیل قرارداد و اجرای قرارداد حسن‌نیت داشته باشند. یعنی اگر شخصی در فرانسه با سوءنیت و اهدافی غیرمتعارف قراردادی منعقد سازد، قاضی می‌تواند در صحت این قرارداد دخالت نماید تا حقوق شخصی که از وی سوءاستفاده شده حفظ گردد (Karimi & Salimian, 2021).

اما در ایران صرفاً لازم است قرارداد خلاف شرع، اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد تا دیگر غیرنافذ باشد؛ هرچند از شروط غیرمنصفانه مملو باشد و یا اصل حسن‌نیت نیز رعایت نشده باشد. مانند سوءاستفاده از اضطرار که در حقوق کشورهای خارجی از جمله فرانسه، قابل بررسی و تجدیدنظر است؛ هرچند ناشی از اراده طرفین عقد باشد. اصل حسن‌نیت و سوءاستفاده از حق در سیستم قضایی کشور ما محل اختلاف نظر است و تأثیر شگرفی در عدالت قضایی ایران دارد و همان‌طور که جوامع بشری رشد می‌کنند، قوانین هم باید در راستای آن رشد کنند. لذا با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله به بررسی جایگاه اصل حسن‌نیت در تفسیر و اجرای قراردادها در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

مفهوم حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه

حسن‌نیت به‌عنوان یک اصل و مفهوم حقوقی، ترجمه‌شده اصول حقوقی کشورهای دیگر است. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که برخی از حقوقدانان به علت ابهام و انعطاف این مفهوم، ارائه تعریفی از آن را بسیار دشوار می‌دانند. حسن‌نیت ترکیبی اضافی از دو کلمه «حسن» و «نیت» می‌باشد که در حقوق قراردادها معمولاً همراه با تعبیر «معامله منصفانه» به کار می‌رود (Eskini & Niazi Shahraki, 2007).

حسن‌نیت، اصلی ذاتاً اخلاقی و وجدانی است که همگام با تحولات جوامع انسانی و گسترش ارتباطات اجتماعی و تجاری و ظهور اختلافات پیچیده حقوقی، در جهت حل قسمتی از مسائل حقوقی، به‌ویژه نزدیک ساختن مقررات و ضوابط خشک حقوقی به موازین عدالت و انصاف، پا به عرصه حقوق نهاده است. با توجه به این‌که عالم اخلاق و دنیای وجدانیات برگرفته از فطرت پاک انسانی است و رو به راستی و تعالی فکری بشر دارد، از همان آغاز، در تنظیم روابط شخصی و اجتماعی انسان‌ها اصول و ضوابط اخلاقی نقش برجسته‌ای داشته است. کم‌کم با تأسیس قواعد حقوقی و مراجع قضایی، این اصول و قواعد اخلاقی به‌تدریج وارد حقوق گردید و در تنظیم قوانین حقوقی و جزایی به کار گرفته شد. اصولی چون لزوم وفا به عهد، حاکمیت اراده، منع دارا شدن غیرعادلانه، قبح عقاب بلایبان و مانند آن نیز در واقع از عالم اخلاق وارد حقوق شدند و امروزه به شکل اصول مسلم حقوقی در حوزه‌های حقوق قراردادها، اموال، خانواده، کیفری و ... حکومت می‌کنند. بدین ترتیب، این اصول، علی‌رغم ریشه اخلاقی‌شان که در ابتدا تنها مظهر حسن و قبح اخلاقی تلقی می‌شدند و هیچ ضمانت اجرای خارجی نداشتند، امروزه به‌عنوان اصولی بنیادین و اساسی در حقوق شناخته شده و مبنای بسیاری از تعهدات دیگر را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت این اصول ماهیتی اخلاقی - حقوقی دارند.

امروزه اصل حسن‌نیت، یکی از قواعد مهم در حوزه حقوق تعهدات است که در مرحله انعقاد، اجرای قرارداد، تفسیر و حتی در مرحله مذاکرات قبل از قرارداد، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. در جامعه‌ای که حسن‌نیت حاکم است، تنظیم روابط حقوقی، مطمئن‌تر، ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود. در مبادلات تجاری بین‌المللی نیز توجه ویژه‌ای به حسن‌نیت شده است؛ به‌طوری‌که به‌عنوان اصل سیاسی در روابط تجاری بین‌المللی تلقی شده که هم

است که بر تمام حقوق و تکالیف سایه می‌افکند. در برخی دیگر، این اصل در مرحله تفسیر و اجرای قرارداد به کار می‌رود.

۱- حقوق ایران

در حقوق ایران، با وجود تصریح به برخی از اصول حاکم بر قراردادها در قانون مدنی، مانند اصل صحت در ماده ۲۲۳ قانون مدنی و اصل لزوم قراردادها در ماده ۲۱۹ قانون مذکور، در خصوص اصل حسن‌نیت یا تکلیف به رعایت آن، حکمی دیده نمی‌شود. به همین دلیل، برخی معتقدند که اساساً در حقوق ایران، سوءنیت یا حسن‌نیت اشخاص، اثر تعیین‌کننده‌ای بر اعتبار و آثار عقد ندارد (Babaei, 2006). با این وجود، فقدان یک نص صریح کلی مبنی بر رعایت حسن‌نیت را نمی‌توان موجب انکار و نفی کامل آن در حقوق ایران دانست. بررسی اجمالی قوانین مختلف مبین آن است که اصل حسن‌نیت به‌صورت پراکنده در برخی مقررات پیش‌بینی شده است. شاید تنها مسئله‌ای که باقی می‌ماند، بررسی فراگیر بودن آن به‌عنوان یک قاعده عمومی است. اگر حسن‌نیت در حقوق ایران به‌عنوان اصل پذیرفته شود، قابل تسری به حوزه‌های مختلف حقوق قراردادها از جمله دوره پیش‌قراردادی نیز خواهد بود و اگر استثناء تلقی شود، باید در پذیرش آن به موارد منصوص اکتفا کرد (Barikloo & Khazaei, 2011).

۲- حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، اصل حسن‌نیت تا اواخر قرن پانزدهم میلادی جایگاهی نداشت؛ گرایش به این اصل در نتیجه گسترش روابط بازرگانی در قرن شانزدهم میلادی به وجود آمد (Hajipour, 2009). اگرچه مفهوم حسن‌نیت به‌طور پراکنده در مقررات این کشور ملاحظه می‌شود (Vanel, 1984)، اما این تاکنون به‌صورت قاعده کلی در هیچ‌یک از متون قانونی پیش‌بینی نشده است. بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه بدون آنکه به تعریف حسن‌نیت بپردازد، طرفین قرارداد را مکلف به اجرای با حسن‌نیت آن می‌داند.

حقوقدانان فرانسوی معتقدند حسن‌نیت «راهنمای صادق و درست» است و «حسن‌نیت برای طلبکار نیز همانند بدهکار ضروری است» و برای تعیین مفاد آن باید احراز شود که «صداقت مقتضی انجام چه چیزی باشد؟» و بعضی افزوده‌اند که حسن‌نیت «فقدان قصد بدخواهی است» (Ansari, 2009).

برخی دیگر از حقوقدانان فرانسوی از میان معانی مختلف حسن‌نیت، دو معنای کلی و مستقل برای این مفهوم ارائه داده‌اند: از یک طرف، «درستکاری در اعمال حقوقی» و به‌طور خاص در قراردادهایی که مبتنی بر اعتماد است و از طرف دیگر، «تصور اشتباه و قابل اغماض» که به منزله یک حق مورد حمایت قرار گرفته است (Vanel, 1984). مرحوم دکتر کاتوزیان، اگرچه قاضی را از استناد مستقیم به «اجرای با حسن‌نیت» قراردادها ممنوع دانسته، اما اثر پنهان این قاعده را در اجرای عقود از مسلمات شمرده‌اند. ایشان معتقد است که حسن‌نیت در قراردادها ایجاب می‌کند که طرفین قرارداد از دروغ و کتمان بپرهیزند (Katouzian, 1997).

قانونگذار فرانسه در سال ۲۰۱۶ میلادی در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه، رعایت حسن‌نیت را در زمان مذاکره، تشکیل و اجرای قراردادها لازم دانسته است. این ماده، بدون ارائه تعریفی از حسن‌نیت، صرفاً به تحلیل آن در تمام مراحل قرارداد توجه کرده است (Azimi, 2023). و یا تعریفی دیگر از حسن‌نیت می‌توان بیان کرد: هر یک از طرفین ملزم می‌باشند که در مذاکرات قراردادی و در زمان انعقاد قرارداد با انصاف و صادق باشند و بعد از وقوع قرارداد نیز در تفسیر و اجرای تعهدات و نیز اعمال حقوق خود صادقانه و منصفانه عمل کنند (Azimi, 2025).

جایگاه حسن‌نیت در نظام‌های حقوقی

نفوذ و کاربرد اصل حسن‌نیت در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف یکسان نیست. در برخی کشورها، حسن‌نیت اصلی فراگیر

مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند، والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این ماده به اصول حقوقی اشاره شده است و به‌عنوان یکی از منابعی که قاضی موظف است طبق آن به دعاوی رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید، مطرح شده است (Ansari, 2012).

الف. تعهد حسن‌نیت به مثابه اصل حقوقی: به نظر اکثریت نویسندگان حقوقی، حسن‌نیت یک اصل کلی حقوقی است که شمار زیادی از قواعد دیگر از آن گرفته می‌شود، زیرا الزام و ضرورت آن مختص طرفین تعهد قراردادی نیست، بلکه منطبق بر الزاماتی خارج از قلمرو قراردادی نیز می‌باشد، به‌طوری‌که در حضور یا فقدان رابطه قراردادی به یک اندازه ایفای نقش می‌کند و موارد کاربرد آن متعدد و متنوع بوده و حتی قواعد متفاوتی را تشکیل می‌دهد (Ebrahimi, 2016). بنابراین، حسن‌نیت یک اصل مسلم حقوقی در عرصه حقوق داخلی و بین‌المللی است و علت آوردن کلمه اصل، بدین جهت است که اصل، مفهوم شناخته‌شده‌تری بوده و از استحکام و شمول بیشتری نسبت به قاعده برخوردار است. لذا در تبیین ماهیت حسن‌نیت از واژه اصل استفاده می‌کنیم و می‌توان بر این عقیده بود که حسن‌نیت یک اصل حقوقی است و به مثابه اصل اساسی تعهدات به ضرورت‌های دارای اهمیت کلی پاسخ می‌دهد که مبتنی بر نوع دوستی و توجه به منافع دیگران است که در این صورت آن را به‌عنوان یک اصل کلی تلقی می‌کنیم. لذا با توجه به این‌که در حقوق ایران چنین نهادی پیش‌بینی نشده، شایسته است با تبیین مبانی آن از ناحیه حقوقدانان، جایگاه آن به‌عنوان یک اصل در نظام حقوقی ایران و نیز تأثیر آن در قانونگذاری به‌صورت برجسته آشکار گردد.

برداشت عمومی در حقوق فرانسه آن است که تمام قراردادها بر حسن‌نیت مبتنی هستند (Hajipour, 2009). به همین علت، دادگاه‌ها و علمای حقوق فرانسه، با اخذ ملاک از مقررات پراکنده‌ای که حسن‌نیت در آن‌ها به‌صورت ضمنی آمده است، این اصل را به رسمیت شناخته و در موارد مختلف از نتایج آن پیروی می‌کنند (Shahidi, 2003).

ضرورت رعایت حسن‌نیت در دوره پیش‌قراردادی به صراحت در قوانین فرانسه پیش‌بینی نشده است، اما اصل مذکور بر این دوره نیز حکومت دارد (Hajipour, 2009). این امر مرهون نظریات حقوقدانان فرانسوی و رویه دادگاه‌های آن کشور دانسته‌اند (Barikloo & Khazaei, 2011; Ghasemi Hamed, 2007). سالی، حقوقدان معروف فرانسوی، در ابتدای قرن بیستم پیشنهاد نمود تا مفاهیم حسن‌نیت و رفتار منصفانه در دوره پیش از انعقاد قرارداد نیز به کار رود و مسئولیت ناشی از عدم رعایت آن‌ها پذیرفته شود (Saleilles, 1907).

ماهیت تعهد حسن‌نیت در قراردادها در حقوق ایران و فرانسه حسن‌نیت از یک سو، یک مفهوم اخلاقی و از سوی دیگر، یک قاعده رفتاری است که موجب می‌شود به‌عنوان یک معیار منعطف عمل کند. اصل حسن‌نیت و انصاف از اصول قدیمی هستند که در تمام روابط انسان‌ها، اعم از روابط حقوقی و قراردادی یا در امور اجتماعی، وجود آن ضروری می‌باشد. لذا با توجه به مفهوم حسن‌نیت، به این موضوع می‌پردازیم که آیا حسن‌نیت می‌تواند در جایگاه یک اصل حقوقی قرار بگیرد؟ به عبارت دیگر، ماهیت حسن‌نیت چیست؟ ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: «قضات دادگاه موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که

حسن نیت در قانون مدنی جدید فرانسه در تمام مراحل قراردادی به کار می‌رود و صرفاً اصل خاص حقوق قراردادهای نیست، بلکه معنای وسیعی دارد که در موارد غیرقراردادی همچون حقوق اموال، خانواده و اسناد تجاری نیز به کار می‌رود. به عبارتی، اصل حسن نیت به معنای همکاری و صداقت، امروزه یک اصل بنیادی در حقوق فرانسه است و رویه قضایی، اجرای آن را به عنوان یک اصل کلی حقوقی توسعه داده است و قلمرو اجرای آن را به حقوق قراردادهای محدود نکرده است.

ب. تعهد حسن نیت به مثابه اصل اخلاقی: اگرچه امروزه زندگی بشر دچار تغییر و تحول بسیاری شده است، اما اخلاق همچنان یکی از مهم‌ترین منابع حقوق می‌باشد. در حقوق کنونی، ریشه بسیاری از مقررات اخلاق است، چنان‌که لزوم وفای به عهد و ضرر نزدن به دیگران و پایبند بودن به قراردادهای و رد امانت از احکام اخلاقی است که از قانونگذار تضمین شده و در زمره قواعد حقوقی درآمده است (Katouzian, 1997). با این حال، یک قاعده اخلاقی محض نمی‌تواند در حقوق جایگاهی داشته باشد، چرا که این گونه قواعد، یک‌سری از قواعد اختیاری هستند که الزام در رعایت و عدم رعایت آن‌ها وجود ندارد و غالباً جنبه شخصی دارند. همچنین یک قاعده اخلاقی هنگامی که وارد حقوق می‌شود، دیگر نام اخلاق را ندارد و قانون می‌شود و ضمانت اجرا دارد. مثلاً دروغ‌گویی در اخلاق، امری مذموم و ناپسند است، اما زمانی که وارد حقوق می‌شود، شکل قانون می‌گیرد و در برخی موارد برای آن مجازات هم تعیین می‌شود. در واقع قواعد حقوقی همان قواعد اخلاقی می‌باشند که ضمانت اجرا پیدا کرده‌اند. در حقوق فرانسه، اجماع نویسندگان در مورد ماهیت حسن نیت این است که جوهره حسن نیت یک امر اخلاقی است که هم‌اکنون در قوانین اکثر کشورها صراحتاً وارد شده و در کشورهای دیگر نیز مبنای وضع احکام متعدد گردیده و در واقع به یک قاعده حقوقی تبدیل شده است. به عبارت روشن‌تر، حسن نیت صرف‌نظر از این‌که واجد

ارزش‌های اخلاقی است، یک اعتبار حقوقی مبنی بر رعایت اعتماد دوجانبه را نیز به همراه دارد که به قاضی اجازه می‌دهد ضمانت اجرای این الزام را اعمال نماید و وجود این خصائص است که تلقی حسن نیت را به عنوان یک قاعده حقوقی مسجل نموده است (Karimi et al., 2023).

قلمرو تعهد حسن نیت در قراردادهای در مرحله اجرا و تفسیر قرارداد در حقوق ایران و فرانسه:

یکی از قواعدی که باعث تکمیل اصل لزوم وفای به عهد می‌شود، قاعده حسن نیت در اجرای قرارداد است که بر اساس آن، اجرای مفاد قرارداد منوط به رعایت قاعده حسن نیت است. در واقع، قاعده لزوم حسن نیت در اجرای قرارداد، نتیجه پیوند حقوق و اخلاق است و بنا بر رعایت همین پیوند، دو طرف باید در برابر هم با حسن نیت رفتار کنند و بر همین اساس، اجرای قرارداد را بخواهند (Shafaei, 1997). در حقوق ایران، اجرای با حسن نیت قراردادهای امری مسلم می‌باشد. یکی از نویسندگان حقوقی در این مورد اعتقاد دارد که حسن نیت در اجرای قرارداد واجد مفهومی است که این مفهوم، «رعایت صداقت و درستی»، در اجرای قراردادهای همان «عمل به وجه معروف» تعبیر می‌گردد (Salehi Rad, 1999). که به طور کلی‌تر در مواد مختلف قانون مدنی مورد توجه قرار گرفته است: ماده ۲۲۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است». همچنین ماده ۲۲۰ قانون مدنی با بیان این‌که «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند»، دامنه تعهدات قراردادی طرفین را توسعه داده است. در حقیقت، مطابق این ماده، علاوه بر قرارداد، قانون، عرف و عادات نیز در زمره منابع

تعهدات قراردادی به شمار می‌آیند که بحث از اجرای با حسن نیت قرارداد از دریچه این منابع مورد مطالعه می‌باشد.

طرفداران قاعده لزوم رعایت حسن نیت در اجرای قرارداد که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی جدید فرانسه هم مقرر شده است، چنین تفسیر می‌کنند که باید هر دو طرف قرارداد، در اجرای آن حسن نیت نشان دهند و قرارداد با حسن نیت اجرا شود. طرفین باید در اجرای قرارداد با یکدیگر همکاری و همیاری متقابل داشته باشند و از هر اقدامی که ایفای تعهد را برای یک طرف دشوار می‌سازد، اجتناب ورزند. بنابراین، از متعهد نمی‌توان اجرای قرارداد را در شرایط سخت و دشوار انتظار داشت؛ چرا که عدم توجه به حوادث غیرمترقبه، اوضاع و احوال قرارداد را دگرگون ساخته و مطالبه اجرای دقیق و کامل قرارداد در چنین شرایطی، رفتار مغایر با حسن نیت تلقی می‌شود (Ebrahimi, 2016). از سویی دیگر، اجرای با حسن نیت قرارداد که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه آمده، در تفسیر قرارداد نیز دخیل بوده و نقش به‌سزایی دارد. زیرا اگر مراد ماده مذکور، درستی و صداقت در تعهدات مصرح قراردادی باشد، شناخت تعهدات قراردادی با تفسیر و احراز قصد متعاقدين ملازمه دارد و به عبارتی، مادامی که تعهدات معلوم نگردد، تکلیف همکاری صادقانه بدون محمل خواهد بود (Ansari, 2012) و یا در صورت عدم رعایت حسن نیت در تفسیر، نمی‌توان مطمئن شد آنچه به اجرا درآمده، همان منظور متعاقدين بوده است. البته تمییز حسن نیت در اجرای عقد از تفسیر عقد ایجاب می‌نماید که مفاهیم اجرا و تفسیر را از یکدیگر تفکیک نماییم. هرچند این دو با هم ارتباط داشته و بسیاری از اوقات نیز موجب اشتباه می‌گردند، لیکن به نظر می‌رسد که قاعده اجرای با حسن نیت، روش اتخاذ شده برای تفسیر عقد است.

در قانون مدنی ایران، علی‌رغم این‌که از جهات زیادی از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده، اما بحثی را در مورد تفسیر قرارداد به‌طور مستقل و صریح نیاورده و مقررات تفسیری در حقوق ایران

در پرتو احکام عرف و پاره‌ای از اصول عملی و همچنین کلمات و قرائن برداشت می‌گردد. منظور از ملزم بودن تفسیرکننده به رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد، اقدام وی بر اساس اصول حقوقی حاکم بر قراردادها است و نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد به سه صورت متصور است:

اول این‌که چون تفسیر قرارداد خود یکی از اعمال حقوقی است، باید با حسن نیت توأم باشد.

در حالت دوم، تأثیری که حسن نیت متعاقدين هنگام انعقاد عقد بر تفسیر آن می‌گذارد، بررسی می‌شود.

در حالت سوم، از تأثیر حسن نیت بر تفسیر زمانی است که دو احتمال مساوی در مفاد قرارداد داده شود که در این حالت، تفسیری که با حمل رفتار طرفین بر حسن نیت منطبق است، مقدم می‌شود. بنابراین، از آنجایی که هر یک از متعاملین ملزم به رعایت حسن نیت درباره دیگری است، بر این اساس قاضی یا داور نیز باید عبارات قرارداد را طوری تفسیر کند که با حسن نیت آن‌ها منافات نداشته باشد (Ebrahimi, 2009).

در حقوق ایران صرفاً در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، رعایت حسن نیت در تفسیر مورد توجه قرار گرفته است. این ماده که ظاهراً حکم یک قانون فراملی را دارد، مقرر می‌دارد: «در تفسیر این قانون، همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد». این ماده شبیه ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ بوده و به نظر، سیاق یک قانون داخلی را ندارد، اما طلیعه‌ای برای وضع قوانین آتی و تکمیل قوانین موجود می‌باشد. به نظر می‌رسد غرض از رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد، رعایت استاندارد رفتاری است و توجه به قصد و رضای طرفین نیز باید بر مبنای این استاندارد صورت گیرد. اگر در هیچ‌یک از مواد قانونی، نقش حسن نیت در تفسیر ذکر نگردیده، نمی‌توان اهمیت و یا پذیرش این نهاد را در حقوق ایران منتفی

دانست. در حقوق فرانسه، اولین گامی که برای تفسیر قرارداد باید مدنظر قرار گیرد، اراده متعاقدين می‌باشد و قانون مدنی فرانسه برای تفسیر عقد، صرفاً اراده مشترک طرفین را مورد توجه قرار داده است و در صورت فقدان آن، عرف را مقدم می‌داند، البته عرفی که بایستی ممکن و باورکردنی باشد. درهرحال، قاضی باید در مراجعه به اراده شخصی یا اراده مشترک، رعایت حسن‌نیت را بنماید و حسن‌نیت را معیاری بر این دو قرار دهد. بدون توجه به این امر، ممکن است طرفین از اراده و هدف خود دور شده و اصل حاکمیت اراده نیز تحت‌الشعاع قرار گیرد. چنانچه قرارداد به لحاظ سکوت طرفین ناقص باشد، تفسیر به معنای حقیقی معنا نداشته، اما قاضی در تکمیل آن بایستی اقدام نموده و حسن‌نیت را نیز مراعات نماید (Planiol et al., 1930).

آثار حسن‌نیت

آثار حسن‌نیت در چهار مرحله پیش از عقد، انشای عقد، اجرا و تفسیر قرارداد متفاوت بوده که جداگانه بررسی می‌شود:

۱- اثر حسن‌نیت پیش از انعقاد قرارداد

بسیاری از حقوق‌دانان موافقند که مذاکرات تحت کنترل و نظارت قانون است؛ بنابراین مذاکره‌کنندگان حقوق و تعهداتی دارند که در استاندارد رفتاری که طرفین قبل از انعقاد عقد قرار دارند، منطقی است که بیان شود باید حسن‌نیت داشته باشند. ازاین‌رو «معارف‌شناسی مذاکره» باید تضمین شود؛ به‌طوری‌که از قانون جنگل پیروی نکنند. ریپر می‌گوید: «حسن‌نیت یکی از ابزارهایی است که توسط قوه مقننه و دادگاه‌ها برای وارد کردن قاعده اخلاقی به قانون مثبت استفاده می‌شود». لذا تعهد حسن‌نیت هر مذاکره‌کننده تابع قانون شخصی وی نخواهد بود. طرفین قرارداد متعهد هستند با حسن‌نیت به گفت‌وگو در شرایط قرارداد ادامه دهند. تخلف از این تعهد موجب مسئولیت است. به موجب ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی فرانسه، حسن‌نیت در حین مذاکره پیش از قرارداد باید رعایت شود و با توجه به آمره بودن قانون، ضمانت

اجرای آن ابطال تعهد ایجاد شده است. این مفهوم حقوقی توسط قضات برای بازگرداندن تعادل قراردادی بین طرفین استفاده شده است که نشان از نوع‌دوستی است. در صورت نقض وظیفه اطلاع‌رسانی، اصل حسن‌نیت تأثیر مستقیم بر قاعده خاص خطای غیرقابل توجیه دارد و عدم حسن‌نیت را می‌توان اعتراض به دفاع غیرقابل توجیه خطا دانست و به موجب ماده ۱۱۱۲-۱ قانون مدنی، سبب انحلال تعهد مطابق ماده ۱۱۳۰ می‌گردد (Karimi et al., 2023).

۲- اثر حسن‌نیت در انعقاد قرارداد

انعقاد قرارداد وابسته به اراده فرد است و وجود حسن‌نیت در اراده ضروری است. بارزترین نقض حسن‌نیت در مرحله انعقاد عقد، تدلیس است. اکراه و سوءاستفاده از اضطرار نیز در انعقاد قرارداد مؤثر است؛ لذا شخص مدلس یا مکره یا سوءاستفاده‌کننده، حسن‌نیتی در انعقاد قرارداد ندارد و در این رابطه، تعهد به اطلاع‌رسانی به طرف مقابل میان طرفین عقد تعادل ایجاد می‌کند که فقدان آن و همچنین ارائه ناقص و نادرست اطلاعات دارای ضمانت اجراست که سبب معیوب نمودن رضا می‌گردد و حسب مورد، ضمانت‌نامه‌های مربوط به اشتباه، تدلیس یا اکراه اعمال خواهد شد. در قانون مدنی فرانسه، سابقاً به موجب ماده ۱۱۰۴ حسن‌نیت صرفاً در مرحله اجرای قرارداد مطرح بود، اما با اصلاحاتی که در قانون تعهدات فرانسه در دهم فوریه ۲۰۱۶ صورت پذیرفت، به موجب ماده ۱۱۰۴، حسن‌نیت در مذاکرات پیش‌قراردادی و زمان انعقاد قرارداد و اجرای آن تسری داده شد. با پذیرش اصل حسن‌نیت در دوره پیش‌قراردادی، طرفین باید در مرحله گفت‌وگوی مقدماتی جهت رسیدن به مقصد مشترک، در نهایت صداقت و شفافیت با یکدیگر همکاری داشته و ضمن ارائه اطلاعات و رعایت رازداری و عدم مذاکره موازی، منافع یکدیگر را محترم بشمارند.

۳- اثر حسن‌نیت در اجرای قرارداد

حسن‌نیت زیربنای ایجاد و تداوم یک رابطه مستمر قراردادی است و اهمیت آن در روابط تجاری بین‌الملل بیش از تجارت داخلی است، زیرا بُعد مسافت سبب می‌گردد طرفین نتوانند نظارت دقیق بر تبادل کالا و اطلاعات و شفافیت بازار داشته باشند؛ بنابراین هر کدام از طرفین قرارداد ناگزیرند به حسن‌نیت طرف مقابل اعتماد کنند. حسن‌نیت در اجرای قرارداد در بسیاری از موارد، اساس تعهدات تبعی و مبنای مسئولیت یکی از طرفین قرارداد است. در قوانین کشورهای رومی - ژرمنی، اجرای با حسن‌نیت تعریف نشده است. برخی مؤلفین فرانسوی اجرای با حسن‌نیت را این‌گونه معنا کرده‌اند: متعهد باید تمام تعهدات ناشی از قرارداد را صادقانه و دقیق و از روی اعتماد انجام دهد و مشکلاتی که ممکن است در اجرای قرارداد حادث شود، مانع از اجرای قرارداد نخواهد بود؛ فقط در حالت بروز حوادث خارجی و حوادث داخلی غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر می‌تواند از اجرای قرارداد معاف شود. اصل جواز تعهد برای متعهدله ظاهری، در مقابل متعهدله واقعی، یعنی کسی که هوشیار و آگاه به اوضاع و احوال خاص تعهد است، با حسن‌نیت صورت‌پذیر است و از بابت حجیت ظواهر بری‌الذمه می‌شود و متعهد پس از اثبات واقعه، متعهدله حق دارد مورد تأدیه را از او بستاند. حسن‌نیت در اجرای قرارداد مانع استناد متعهد به اصل مرور زمان در مواردی که خود، متعهدله را ترغیب به تأخیر در طرح دعوی در دادگاه کرده است، می‌شود. به‌طورکلی، تعهد حسن اجرای قرارداد، طرفین را به استناد به نظریه سوءاستفاده از حق بی‌نیاز می‌سازد، زیرا طرفی که در مطالبه حقش حسن‌نیت ندارد، پیش از آنکه بر اساس مسئولیت قهری ناشی از سوءاستفاده از حق مسئول شناخته شود و بر اساس مسئولیت قراردادی مسئول هرگونه اخلاقی است که در اجرای تعهد، باید با حسن‌نیت عمل می‌نمود (Karimi et al., 2023).

۴- اثر حسن‌نیت در تفسیر و تکمیل قرارداد

مؤلفان فرانسوی معتقدند تفسیر دو معنا دارد؛ تفسیر در معنای موسع که به معنای تعیین مفاد قرارداد است و در این معنا، تکمیل قرارداد نیز بخشی از تفسیر محسوب می‌شود و در مقابل، برخی اساتید معتقدند تکمیل قرارداد کاری فراتر از تفسیر است و نباید آن را در مرحله تفسیر به حساب آورد. برای اثر حسن‌نیت در تفسیر قرارداد، سه صورت می‌توان مطرح کرد: نخست آنکه با توجه به اینکه تفسیر قرارداد عمل حقوقی است و باید با حسن‌نیت توأم باشد؛ صورت دوم، تأثیر حسن‌نیت متعاقدين در انشای قرارداد بررسی شود و مفسر با التفات به دلالت ضمنی هر قراردادی به وجود حسن‌نیت طرفین، طوری تفسیر کند که با عبارات طرف دیگر منافات پیدا نکند و حسن‌نیت تعهد ضمنی در مقابل تعهدی است که مستقیماً توسط طرفین بیان شده است و در واقع، یک الزام ضمنی است؛ صورت سوم مربوط به حالتی است که دو احتمال مساوی در مفاد قرارداد وجود دارد و نمی‌توان با عوامل تفسیری یکی را بر دیگری ترجیح نمود که در این حالت، تفسیری که مبتنی بر رفتاری با حسن‌نیت است، مقدم است. در احراز قصد مشترک طرفین، کشورها رویه یکسانی ندارند؛ در کشورهای نظیر مصر و فرانسه، استفاده از هر ابزاری برای احراز قصد واقعی مجاز است، مثلاً می‌توانند به شهادت شهود و اوضاع و احوال و دلایل خارجی هم استناد کنند، در مقابل، کشورهای نظیر آلمان و آمریکا و انگلیس به دنبال قصد مشترک طرفین از درون قرارداد هستند و به دلایل خارجی استناد نمی‌کنند و در واقع به قصد واقعی طرفین توجهی نداشته و امکان این را هم ندارند که به قصد واقعی طرفین پی ببرند. شیوه دیگر تفسیر، توجه به اراده قرارداد است. بر این اساس، قرارداد پس از وقوع، نهاد اجتماعی بر پایه توافق است و در درون اجتماع معنای ویژه خود را می‌دهد و چنانچه حسن‌نیت در آن رعایت نشده باشد، قاضی باید قرارداد را طوری تفسیر کند که با مبانی ایجاد حق و امتیازاتی که به اشخاص داده شده است،

نکات رفع ابهام نماید. با این تلقی از حسن نیت، آن را می‌توان از ابزار و وسایلی دانست که به دادرس کمک می‌کند تا صور الزامات طرفین و آثار قراردادی را مشخص نماید.

۱- روش‌های تفسیر قرارداد:

به‌طور کلی، در عالم حقوق و تفسیر قرارداد، دو شیوه پیشنهاد شده است: حاکمیت اراده باطنی و اتکا به اعلام‌های انجام‌شده و یا عرف و رسوم تجارتی و حسن نیت. اول: حاکمیت اراده باطنی؛ بر مبنای این روش، دادرس باید در مقام جستجوی اراده باطنی طرفین قرارداد باشد و مفاد آن را بر معنای ادبی و عرفی قرارداد ترجیح دهد (Katouzian, 1997). نتیجه مهم این تحقیق چنین خواهد شد که هرگاه طرفین برای اثبات موضوع خود به دلایل خارجی مانند شهادت شهود استناد کنند، باید آن دلایل استماع شود. همین که دادگاه به مقصود و مراد طرفین دست یافت، آن را محترم شمارد، هرچند که مخالف ظاهر قرارداد باشد. دوم: اتکا به اعلام‌های انجام‌شده و یا عرف و رسوم تجاری و حسن نیت؛ طبق این روش، هرچند هدف اصلی، یعنی اراده واقعی و قصد مشترک، رها نمی‌شود، اما به اراده باطنی تمایل کمتری نشان داده می‌شود و مفسرین با تکیه به اعلام‌های موجود در قرارداد و یاری عرف و رسوم تجاری و قواعد مربوط به حسن نیت، در صدد استخراج قاعده قراردادی هستند. دادگاه باید مفاد قرارداد را مورد توجه قرار دهد و به معنایی تکیه کند که عرف یا ضرورت وجود حسن نیت در قرارداد ایجاب می‌کند.

۲- نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد در حقوق ایران

مبنای تشکیل هر قرارداد، اراده طرفین و به عبارت دیگر، قصد و اراده انشایی آن‌هاست و عامل اصلی تعیین‌کننده آثار حقوقی هر قرارداد نیز نتیجتاً قصد مشترک طرفین است. در حقوق ایران، از میان دو نظریه حاکمیت اراده باطنی و ظاهری، دیدگاه نخست ارجح به نظر می‌رسد و در تفسیر قرارداد، تنها به مفاد قرارداد و ظاهر عبارات اکتفا نمی‌شود. دادگاه به دلایل خارج از قرارداد، نظیر

تطبیق نماید. این شیوه تفسیر در حقوق فرانسه نیز مطرح است و بیان شده است شروط گزاف را قاضی می‌تواند تفسیر نماید. با این حال، به اعتقاد برخی مؤلفین، در تفسیر قرارداد همه هدف‌ها محدود به قصد مشترک نیست و عواملی دیگر چون عدالت در آن مؤثر است که ممکن است گاهی آن را تعدیل کند. در حقوق ایران، به اعتقاد برخی، در مقررات تکمیلی، عرف و عادت چهره‌ای از انصاف و حسن نیت دیده می‌شود، زیرا قانونگذار آنچه را که مطابق انصاف و حسن نیت تشخیص داده، به‌عنوان قانون تکمیلی برگزیده است و قاضی اصولاً حق ندارد صرفاً به استناد انصاف و حسن نیت قرارداد را تفسیر کند و آنچه را که خود تشخیص می‌دهد، به طرفین تحمیل نماید.

در حقوق فرانسه، ماده قانونی خاصی که اصل حسن نیت را در تفسیر قرارداد مقرر کند وجود ندارد و در مواد ۱۱۶۴-۱۱۵۶ قانون فرانسه که درباره تفسیر قرارداد است، اسمی از حسن نیت نیامده است؛ اگرچه شاید با توجه به ماده ۱۱۰۴ قانون جدید این برداشت تبادر گردد، لیکن رویه قضایی و دکترین از نقش مؤثر حسن نیت در تفسیر قراردادها حکایت می‌کند. با توجه به مواد ۲۰۱ و ۲۰۲ قانون مدنی فرانسه راجع به نکاح به شبهه و مواد ۵۴۹ و ۲۷۹ راجع به تصرف اموال منقول با حسن نیت و مواد ۱۱۰۴ و ۲۲۶۸ همان قانون، در حقوق فرانسه تفسیر قرارداد، مانند اعمال حقوقی دیگر، باید با حسن نیت توأم باشد و به‌عنوان قاعده تفسیر اراده دقیق طرفین در نظر گرفته می‌شود و این حسن نیت همیشه مفروض است و کسی که ادعای سوءنیت دارد، باید آن را اثبات کند (Karimi et al., 2023).

نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد:

قراردادها باید با این فرض که طرفین در اعلام اراده خود از حسن نیت برخوردارند، مورد تفسیر واقع شوند. به بیان دیگر، حسن نیت در تفسیر قراردادها به این معنی است که محکمه هر قراردادی را با فرض حسن نیت طرفین قرارداد تفسیر نموده و از

شهادت یا سوابق مربوط به تنظیم قرارداد و کارهای مقدماتی مربوط به آن نیز ترتیب اثر می‌دهد و در صورتی که اراده ظاهری و مفاد ظاهری قرارداد را مغایر اراده باطنی طرفین تشخیص دهد، به آن ترتیب اثر نداده و قصد باطنی را ملاک عمل قرار می‌دهد. هرگاه دادرس با قراردادی مبهم روبرو شود، باید روح حاکم بر توافق را به دست بیاورد. این روح حاکم که به قصد مشترک طرفین تعبیر می‌شود، بر کل قرارداد حکومت دارد.

برای کشف قصد مشترک باید به وسایلی متوسل گردید که در حقوق ایران برشمرده شده است که از جمله آن‌ها، کلمات و قرائن، مقررات قانونی، اصول عملیه و عرف می‌باشد. در مورد وسیله نخست باید گفت که نخستین وسیله اعلام اراده که در عین حال کاشف از اراده طرفین قرارداد است، شایع‌ترین وسیله ابزار اراده طرفین قرارداد به شمار می‌رود. قرائن نیز اوضاع و احوالی است که می‌تواند به کشف مقصود طرفین قرارداد کمک نماید. منظور از مقررات، قوانین تکمیلی است که برای تکمیل ناشی از سکوت متعاقدين وضع گردیده است. اصول عملیه نیز در مواقعی به کار می‌رود که دادرس با ابهام و سرگردانی مواجه شود. چون اصول عملیه کاشف از واقعیت نبوده است و صرفاً ابزاری برای رفع تحیر است. آخرین وسیله تفسیر قرارداد عرف است. عرف، انس ذهن جامعه یا گروه خاص به امری است که مربوط به روابط حقوقی است. اساساً اعتبار عرف ناشی از دلالت آن به‌طور غیرمستقیم بر قصد و اراده اشخاصی است که عقد را انشاء کرده‌اند. در قانون مدنی ایران، حکمی در مورد رعایت حسن‌نیت در تفسیر قرارداد وجود ندارد. با این حال، برخی نویسندگان در جهت اعطای اعتبار به اصل حسن‌نیت، متمسک به پاره‌ای از دلایل شده‌اند که دو مورد را در ذیل می‌آوریم: برخی معتقدند معرفت، به پشتوانه وجود ریشه‌های اخلاقی و عقلی در اصل حسن‌نیت و به اعتبار اثراتی که بر روابط حقوقی و منافع اشخاص می‌گذارد، حسن‌نیت را جزو قواعد حقوقی لازم‌الرعايه درآورده و رعایت آن را بر همگان لازم

دانسته است. گفته شده، با عنایت به این‌که اجرای یک قرارداد مستلزم تفسیر آن است، بنابراین قرارداد باید در کمال حسن‌نیت تفسیر شود تا اجرای قرارداد و وفای به آن به نحو مطلوبی محقق گردد و در صورت عدم رعایت حسن‌نیت در تفسیر، نمی‌توان مطمئن شد آنچه به اجرا درمی‌آید، منظور قرارداد است. اینان در آخر نتیجه گرفته‌اند که با توجه به این‌که فرهنگ بومی جامعه ما به‌گونه‌ای است که برای امور اخلاقی در روابط حقوقی خود ارزش بسیار زیادی قائل می‌شوند و کسی را که از حدود آن امر اخلاقی تجاوز کند، سرزنش می‌کنند، در نتیجه اصل حسن‌نیت تا آن مقدار که تحت پوشش چنین عرفی قرار گیرد و به استناد مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی، در تفسیر لازم‌الرعايه می‌باشد (Taghavi, 2023). این دسته از حقوقدانان همچنین به ماده ۲۲۳ قانون مدنی در خصوص اصل صحت استناد کرده و دلالت ضمنی این ماده را در راستای توجیه اعتبار اصل حسن‌نیت در تفسیر و قراردادها به کار گرفته‌اند. برخی از استادان در خصوص حسن‌نیت در تفسیر قرارداد بر این باورند که در حقوق ایران، دادرس نمی‌تواند مستقیماً به اصل حسن‌نیت در اجرای قرارداد استناد کند. اصل راهنمای وی در این زمینه، اجرای قصد مشترک دو طرف است و هرگاه نتواند بدان دست یابد، متوسل به قانون و عرف و عادت می‌شود. ایشان سپس با اذعان به جایگاه واقعی حسن‌نیت، قضاوت را به این طریق رهنمون می‌کنند که رفتار یک شخص با حسن‌نیت را تحت عنوان شروط ضمنی و شروط بنایی در عقد اجرای حقوقی کنند و بدین ترتیب از اتهام تحریف قرارداد نیز به دور مانند (Katouzian, 1997). گفته شده که دادرس با ملاحظه قرارداد، این شرط ضمنی را در نظر می‌گیرد که طرفین در هنگام انعقاد قرارداد به‌طور تلویحی قرار داده‌اند تا با حسن‌نیت اقدام نموده و بنابراین اگر شخصی برخلاف حسن‌نیت عمل نمود، مبادرت به زیر پا گذاشتن تعهد خویش نموده که مستوجب ضمانت اجرای حقوقی است. در رویه قضایی می‌توان آرای یافت که اختلاف

متعاقدين در تفسير قرارداد، بر مبنای حسن نیت صادر شده است. به عنوان نمونه: خلاصه جریان دعوی از این قرار است، خانه‌ای فروخته می‌شود و فروشنده ضمن سند رسمی انتقال تعهد می‌کند که ظرف مدت یک ماه برق خانه را وصل نماید، وجه التزام تخلف از این تعهد چندان گزاف است که به تقریب معادل بهای خانه است. متعهد درخواست امتیاز بهره‌برداری از نیروی برق را به‌هنگام می‌کند و ودیعه لازم را می‌سپارد، لیکن روشنایی دیرتر از موعد داده می‌شود. خریدار از دادگاه تقاضای صدور حکم به پرداخت وجه التزام را می‌کند. دادگاه پس از ملاحظه مدارک دو طرف چنین رأی می‌دهد: «نظر به این‌که، تبصره ذیل سند رسمی شماره ۳۲۲۷ دفتر شماره ۵۲ طهران، چنان‌که از عبارت سند مزبور عرفاً مستند می‌شود، حاوی شرط فعلی است که طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی، خوانده متعهد شده است اقدامات لازم را برای روشنایی برق مورد معامله ظرف مدت یک ماه معمول دارد، نظر به این‌که به موجب نامه شماره ۱۳۳۵/۱/۲۳-۳۸۲۵۴۴۸۴، متعهد در تاریخ ۱۳۳۴/۸/۷، یعنی ظرف و تأخیر در روشنایی را نمی‌توان ناشی از مسامحه و تخلف خوانده دانست، چنان‌که مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ نیز منوط مؤید این مطلب می‌باشد، لذا خواهان در مطالبه وجه التزام خواسته شده محکوم به بی‌حقی می‌گردد و ملزم است که مبلغ دو هزار ریال بابت حق الوکاله به خوانده بپردازد». از آنجایی که با توجه به مفاد رأی، موضوع تعهد انجام اقدامات لازم برای نیل به هدف می‌باشد و عرف، معیاری برای احراز حسن نیت شخص به شمار می‌رود و متعهد تلاش عرفی را برای تحقق موضوع تعهد انجام داده است، لذا مرتکب تقصیری نشده است تا حکم علیه وی صادر شود. حقوق موضوعه ایران در تفسیر قراردادها عاملی تحت عنوان حسن نیت را به رسمیت نشناخته و به همین دلیل است که نویسندگان حقوقی در راستای لزوم تبعیت از آن، متوسل به طریق دیگری شده‌اند (Taghavi, 2023).

ضمانت اجرای حسن نیت در مرحله تفسیر قرارداد:

حسن نیت و ضمانت اجرای آن در این مرحله از این حیث مورد توجه قرار می‌گیرد که منجر به مداخله قاضی می‌شود. از اهداف حسن نیت این است که موجب افزایش اختیارات قاضی گردد تا بتواند به تکمیل یا اصلاح قرارداد بپردازد و به نوعی هم اصل ثبات و امنیت قراردادها حفظ شود و هم بحث تعادل قراردادی تحقق یابد. در واقع، قاضی در هنگام تفسیر قرارداد باید با این تفکر که با یک قرارداد با حسن نیت سروکار دارد، آن را تفسیر نماید. در اعطای مهلت عادلانه که در حقوق ایران در مواد ۲۲۷ و ۶۲۵ ق.م. برای اجرای تعهدات قراردادی پذیرفته شده است، باید حسن نیت را یکی از شرایط اساسی جهت تعیین مهلت توسط قاضی قلمداد نمود. بنابراین، نقض حسن نیت در مرحله تفسیر نیز اهمیت داشته و در برخی موارد، قاضی با بررسی رعایت یا تخلف از آن به صدور رأی بپردازد و بنابراین، بی‌توجهی به این وضعیت می‌تواند از دلایل نقض رأی تلقی گردد (Taghavi, 2023).

نتیجه‌گیری

تحولات گسترده و پرشتاب روابط تجاری در چند دهه اخیر، توسعه حقوق، از جمله حقوق قراردادها و تجارت در بسیاری از کشورها را موجب شده است. بر این اساس، بررسی برخی از موضوعات همچون «حسن نیت و رفتار منصفانه» در قراردادها که در گذشته به‌عنوان موضوعی فرعی و با گستره‌ای بسیار محدود مطرح می‌شده است، امروزه به‌عنوان اصلی مهم، جایگاهی ویژه و نقشی مؤثر و روزافزون را در حقوق قراردادها و همچنین معاملات بین‌المللی یافته است؛ به گونه‌ای که در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله فرانسه در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی جدید تعهدات این کشور مصوب ۲۰۱۶، به‌عنوان یک قاعده لازم‌الرعایه در تمام مراحل قرارداد از جمله مذاکره، انعقاد، اجرا و تفسیر شناخته می‌شود که این مقرر طبق نظم عمومی است و حتی توافق متعاقدين برخلاف آن فاقد اثر است. به عبارت دیگر، حسن نیت به‌عنوان اصل الزام‌آور و موجد تکلیف، متضمن تعهدات و وظایفی

نکنند و رفتاری متناقض با تعهدات خود انجام ندهند. بر این اساس، حسن‌نیت، محدودکننده کنش‌های قراردادی با اوضاع و احوال خاص و تفسیر قراردادها نقشی مثبت ایفا می‌کند. پیشرفت روابط حقوقی و توسعه تجارت میان اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، نیز نشانگر این مطلب است که بیشتر اشخاص در روابط خود با دیگران، خود را ملزم به رعایت این اصل دانسته‌اند. رعایت این اصل در قراردادها اقتضاء می‌کند که طرفین در راستای رسیدن به هدف مشترک، در نهایت صداقت، جدیت و شفافیت با یکدیگر همکاری داشته و به ارائه اطلاعات بپردازند و ضمن رعایت رازداری نسبت به اطلاعات محرمانه طرف مقابل، منافع یکدیگر را محترم بشمارند. در حقوق فرانسه نیز، حسن‌نیت در تمامی مراحل قرارداد و در قالب تعهد به جدیت، شفافیت، ارائه اطلاعات، رازداری و مشارکت جلوه‌گر می‌شود و عدم رعایت هر یک از موارد فوق از جانب یکی از طرفین قرارداد، ممکن است تقصیر به شمار آمده و هرگاه محرز شود که طرف مقابل برای فراهم نمودن اجرای قرارداد، متحمل هزینه‌هایی شده است، مسئولیت جبران هزینه‌های یادشده با طرفی است که برخلاف اصل مزبور رفتار نموده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Good faith is one of the most significant principles in contemporary contract law and the law of obligations, because it connects contractual freedom with fairness, cooperation, honesty, and the legitimate expectations of the parties. Although the principle has ethical origins, its function in modern legal systems is no longer merely moral; rather, it has gradually become a legal standard capable of guiding contractual formation, interpretation, performance, and

برای طرفین در جریان تشکیل، اجرا، تفسیر و اعمال حقوق ناشی از قرارداد است. بر این اساس، طرفین باید با رعایت حسن‌نیت، مذاکرات قراردادی را آغاز کرده، در صورت توافق قرارداد را امضاء و در تفسیر و اجرای آن نیز با حسن‌نیت عمل کنند. در کشور ما قانونگذار هنگام تدوین قانون مدنی، نظر صریحی در خصوص اصل حسن‌نیت ارائه نکرده است. همین مسئله باعث شده که حقوقدانان نظرات کاملاً متفاوتی نسبت به آن داشته باشند و بررسی دیدگاه قانونگذار به اصل حسن‌نیت از ابتدا تاکنون نشان می‌دهد که گرایش به پذیرش آن در حقوق ایران در مجموع یک روند صعودی را طی کرده است؛ چنان‌که در مواد ۳ و ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ به صراحت از آن نام برده شده است و یا مدلول مواد ۶۸۰ و ۲۶۳ قانون مدنی به نوعی بیانگر نفوذ مفهوم حسن‌نیت در نظام حقوقی ایران است. حتی امروزه در حقوق جدید، این اصل مبنای برخی از تئوری‌های نوین حقوق قراردادها مثل تعهد به همکاری را تشکیل داده است (Klein, 1993). فایده پذیرش چنین اصلی در حقوق ایران، هماهنگ کردن اجرای قانون و تعهدات قراردادی با مقتضیات عدالت و انصاف است (Safaei et al., 2005). از آنجایی که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی جدید فرانسه، حسن‌نیت در تمام مراحل قرارداد پذیرفته شده است.

حسن‌نیت در اجرای قرارداد موجب می‌شود که طرفین به تعهدات قراردادی خود پایبند باشند، نسبت به اجرای تعهدات خویش با یکدیگر همکاری داشته باشند، از اختیارات قراردادی سوءاستفاده

even pre-contractual negotiations. In societies where good faith governs legal relations, contractual dealings become more reliable, predictable, less costly, and more compatible with justice and equity. The principle is especially important in commercial and international transactions, where distance, informational asymmetry, and the complexity of contractual relations make mutual trust indispensable. In French law, particularly after the 2016 reform of the law of obligations, Article 1104 of the French Civil Code expressly

requires good faith in negotiation, formation, and performance of contracts, and this rule is treated as mandatory and connected to public policy (Azimi, 2023, 2025). By contrast, Iranian law has not explicitly recognized good faith as a general autonomous principle in the Civil Code, although several doctrines and provisions, including custom, implied terms, the principle of validity, and rules of contractual interpretation, may indirectly accommodate its effects (Ansari, 2012; Taghavi, 2023).

The concept of good faith is difficult to define precisely because of its flexible, evaluative, and context-dependent nature. In contract law, it is often associated with fair dealing, honesty, loyalty, cooperation, and the prohibition of abusive or contradictory conduct. French legal scholarship has traditionally described good faith as a standard of honest conduct and the absence of malicious intent, while also distinguishing between good faith as integrity in legal acts and good faith as an excusable mistaken belief deserving legal protection (Ansari, 2009; Vanel, 1984). In Iranian legal literature, good faith has been discussed through related concepts such as trust, apparent authority, implied conditions, customary expectations, and the requirement that parties refrain from deception and concealment in contractual relations (Ebrahimi, 2009; Katouzian, 1997). Nevertheless, the absence of a direct statutory rule in the Iranian Civil Code has produced divergent doctrinal positions: some jurists deny the independent legal operation of good faith, while others argue that its normative force can be derived from the moral foundations of private law, the general principles of contract law, and scattered legislative references, especially in electronic commerce and international sales contexts (Barikloo & Khazaei, 2011; Eskini & Niazi Shahraki, 2007).

A comparative examination shows that the position of good faith differs significantly in Iranian and French law. In French law, good faith has developed from scattered provisions and judicial practice into a central principle governing contractual relations. Although older French law primarily referred to good faith in the performance of contracts, modern French law has extended it to the pre-contractual and formation stages as well. The 2016 reform is therefore important because it transformed good faith into an explicit and mandatory standard for contractual conduct (Azimi, 2023; Karimi & Salimian, 2021). French doctrine and case law also recognize the role of good faith in preventing abuse of rights, controlling unfair conduct, supporting duties of disclosure and cooperation, and preserving contractual equilibrium (Ghasemi Hamed, 2007; Karimi et al., 2023). In Iranian law, however, the matter remains more indirect. Although the Civil Code contains no general article equivalent to Article 1104 of the French Civil Code, certain provisions, such as Articles 220, 223, and 225 of the Civil Code, can be interpreted as allowing custom, implied obligations, and the principle of validity to support good-faith-based interpretation and performance (Salehi Rad, 1999; Shahidi, 2003). This reveals that Iranian law may not recognize good faith as a fully independent theory, but it does not completely exclude its legal function.

The legal nature of the obligation of good faith can be analyzed from two perspectives: as a legal principle and as an ethical principle transformed into law. As a legal principle, good faith is not limited to the parties' express promises; it may generate ancillary duties, including duties of cooperation, disclosure, loyalty, consistency, and avoidance of opportunistic behavior. Many legal scholars therefore regard good faith as a general principle from which several more specific rules are derived, especially in contractual

performance and interpretation (Ansari, 2012; Ebrahimi, 2016). As an ethical principle, good faith reflects the moral roots of legal obligations, because many legal rules—such as *pacta sunt servanda*, prohibition of harm, and the duty to respect commitments—originated in ethical norms before receiving legal enforceability (Katouzian, 1997). French law illustrates this transformation clearly: although good faith has moral content, it now operates as a legal rule with enforceable consequences. Iranian law may similarly benefit from recognizing the legal effect of good faith without necessarily abandoning its traditional doctrinal framework. By treating good faith as an implied contractual standard or as a requirement of customary and equitable interpretation, Iranian courts can preserve contractual stability while preventing unfair exploitation, deception, and abuse of contractual rights (Hajipour, 2009; Safaei et al., 2005).

The scope of good faith is especially visible in the performance and interpretation of contracts. In performance, good faith requires parties to fulfill their obligations honestly, cooperate with each other, avoid conduct that makes performance unnecessarily difficult, and refrain from abusing contractual rights. In French law, this function is supported by Article 1104 and by doctrinal developments that connect good faith with duties of cooperation, seriousness, transparency, confidentiality, and disclosure (Ebrahimi, 2016; Karimi et al., 2023). In Iranian law, although direct reliance on good faith may be limited, Articles 220 and 225 of the Civil Code allow contractual obligations to be extended through law, custom, and ordinary implications of the agreement, thereby providing a doctrinal path for incorporating good-faith obligations into contractual performance (Salehi Rad, 1999; Taghavi, 2023). In interpretation, good faith requires courts and arbitrators to interpret contractual

language in a way that is consistent with the parties' legitimate expectations and with honest conduct. French doctrine recognizes that interpretation cannot be separated from the duty to act fairly, particularly where the contract is ambiguous or incomplete (Planiol et al., 1930). In Iranian law, despite the absence of a general interpretive rule based on good faith, legal scholarship has attempted to justify its role through implied terms, custom, the principle of validity, and the presumption that parties act honestly when expressing contractual intent (Ebrahimi, 2009; Taghavi, 2023).

In conclusion, the comparative study of Iranian and French law demonstrates that good faith has become an essential mechanism for aligning contractual relations with justice, fairness, and reasonable expectations. French law has expressly adopted good faith as a mandatory rule governing multiple stages of contractual life, while Iranian law still approaches it indirectly through scattered provisions, implied obligations, custom, and judicial interpretation. The findings show that although Iranian law does not yet provide a unified statutory formulation of good faith, its doctrinal and legislative foundations are not incompatible with accepting the principle. The gradual movement of Iranian legal thought toward recognition of good faith indicates that this principle can strengthen contractual justice without undermining the stability of agreements. Recognizing good faith more clearly in Iranian contract law would help prevent abuse of rights, support fair interpretation, protect legitimate reliance, and harmonize domestic contract law with modern comparative and international legal developments.

References

- Ansari, A. (2009). *The Theory of Good Faith in Contracts* (1st ed.). Jangal Publications.
- Ansari, A. (2012). *The Theory of Good Faith in Contracts: A Comparative Study in Iranian Law*

- and *Contemporary Legal Systems* (2nd ed.). Jangal-e Javidaneh Publications.
- Azimi, A. (2023). *A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms* University of Judicial Sciences].
- Azimi, A. (2025). A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms. *Legal Civilization*, 8(23). <http://orcid.org/0009-0003-3528-9211>
- Babaei, I. (2006). *Insurance Law* (1st ed.). Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).
- Barikloo, A., & Khazaei, S. A. (2011). The Principle of Good Faith and Its Consequences in the Pre-Contractual Period: A Comparative Study in English and French Law. *Judiciary Legal Journal*.
- Ebrahimi, Y. (2009). A Comparative Study of the Concept and Effects of Good Faith in the Formation, Interpretation, and Performance of Contracts. *International Legal Journal*(41).
- Ebrahimi, Y. (2016). *The Legal Theory of Good Faith in Contract Law* (1st ed.). Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research.
- Eskini, R., & Niazi Shahraki, R. (2007). The Concept of the Principle of Good Faith and Fair Dealing. *Gavah Legal Quarterly*(10).
- Ghasemi Hamed, A. (2007). Good Faith in Contract: The Basis of the Duty of Honesty and the Duty of Cooperation in French Law. *Legal Research Journal*(46).
- Hajipour, M. (2009). *A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Contract Law* Faculty of Law and Political Science, University of Tehran].
- Karimi, A., Mohammadi, H., Mazloun Rahni, A., & Bahmani, M. (2023). The Effectiveness of Good Faith in Limiting Obligations: A Comparative Study of Iranian Law and the New French Law. *Journal of Legal Research*, 22(53).
- Karimi, A., & Salimian, A. (2021). The Obligation of Good Faith in Contracts in Iranian and French Law. http://www.pzhfars.ir/article_132723.html
- Katouzian, N. (1997). *General Rules of Contracts* (4th ed., Vol. 5). Enteshar Company.
- Klein, J. (1993). Good Faith in International Transactions. *Liverpool Law Review*. <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/biblio/Klein.html>
- Planiol, Ripert, & Esmain. (1930). *Traité pratique de droit civil français, Tome VI: Les obligations*.
- Safaei, S. H., Mirzanejad, A., Adel, M., & Kazemi, M. (2005). *International Sales Law: A Study of the 1980 Convention on International Sale of Goods with a Comparative Study in Iranian, French, English, and United States Law* (1st ed.). University of Tehran Press.
- Salehi Rad, M. (1999). Good Faith in the Performance of Contracts and Its Effects. *Judiciary Legal Journal*(26).
- Saleilles, R. (1907). De la Responsabilité Précontractuelle. *Revue Trimestrielle de Droit Civil*, 6.
- Shafaei, M. (1997). *A Comparative Study of the Theory of Change of Circumstances in Contracts* (1st ed.). Qoqnoos Publications.
- Shahidi, M. (2003). *Civil Law: Effects of Contracts and Obligations* (Vol. 3). Majd Publications.
- Taghavi, N. (2023). The Position of the Principle of Good Faith in Iranian Law and Principles of International Commercial Contracts: In the Stages of Negotiation, Formation, Performance, and Contractual Interpretation. 4(7), 41-69.
- Vanel, M. (1984). Bonne Foi. In *Encyclopédie Juridique, Répertoire de Droit Civil*.